

نخستین جلسه‌از سلسله‌درس‌گفتارهای «شناخت زبان خاقانی» با عنوان «آنی یا خاقانی» با ارائه دکتر محمدرضا ترکی، استاد زبان وادبیات فارسی دانشگاه تهران، شاعر و پژوهشگر ادبی در سالن سلمان هراتی حوزه هنری برگزار می‌شود. ترکی از جمله استادان پژوهشگر خاقانی‌شناس و دارای تألیفاتی درباره خاقانی است که ازجمله‌آنها می‌توان به:کتاب‌دو جلدی «سُرخنان نغز خاقانی»، شامل مباحثی در زمینه زندگی، شخصیت و شعر خاقانی و کتاب

### سرّ خاقانی از زبان دکتر ترکی



# ری برای تکرار عاشورا

بین<sup>(ع)</sup> دنبال یار می‌گردد و اکنون است که باید بگویم لیبک یا حسین<sup>(ع)</sup>

هست، منتظر باشید و به‌زودی دوباره سر می‌برید! در بخش‌هایی از فیلم هم به این موضوع اشاره کردیم که بسیاری برای منفعت و سکه زر همه‌چیز را فراموش می‌کنند. امروز هم خیلی‌ها همین‌طور هستند و داعیه حقیقت دارند. سر منفعت فردی، شانه خالی می‌کنیم و تمام منفعت اجتماعی را زمین می‌زنیم. این وضعیت جامعه عرب بود که سر حسین بن علی(ع) را بریدند؛ یعنی آدم‌ها را زود می‌خریدند، ما در فیلم می‌گوییم؛ خوب در معامله افتادید اما مراقب خودتان باشید!... آن روز خیلی دور نیست که یک‌بار دیگر کاروان اسرای حسین(ع) از روبه‌روی شمارد شود و این بار مثل چیزی که در فیلم بود، مجبور شوید از ترستان شمشیر بچرخانید. به‌طور کلی، منظوری از نبش قبر تاریخ این است که عبدالرحمن و سلمای امروزمان را ببینیم و زینت(س) و اسرای کاروان، حسین(ع) امروزمان را پیدا کنیم.

شد. این شور عاشقی در فیلم دیده می‌شود و جلا و رنگ می‌گیرد. قشنگی شخصیت‌های فیلم در این است در موقعیتی قرار می‌گیرید که مرگ است. همیشه به این فکر می‌کنم که چرا در قرآن روی شهادت و جهاد تأکید ویژه‌ای می‌شود و در آیه ۲۴سوره انفال هم آمده است: «و کسانی که ایمان آورده و هجرت کرده و در راه خدا به جهاد پرداخته و کسانی که [مهاجران را] پناه داده و یاری کرده‌اند، همان مؤمنان واقعی‌اند. برای آنان بخشایش روزی شایسته‌ای خواهد بود.» تجلی این آیه در سلما و عبدالرحمانی که در فیلم وجود دارد مصداق پیدا می‌کند؛ یعنی او که نمی‌خواست بمیرد و می‌خواست به زندگی‌اش برسد، حاضر می‌شود جان‌ش را فدا کند. اساس عالم بر عشق و عقل بنا شده که عقل می‌گوید از مرگ دوری کن و عشق موجب می‌شود که از بسیاری مسائل بگذری.

**[۲] جقدر بازی در نقش عبدالرحمان برای شما با ریسک همراه بود؟**

ما در جامعه‌ای زندگی می‌کنیم که متأسفانه بیان بسیاری از اعتقادات ترس دارد و عده زیادی به اعتقادات درونی ما حمله می‌کنند. در حال حاضر نیز کار کردن چنین فیلم‌هایی به‌نظم ترسناک شده اما آقای یاری این‌طور نیست، اعتقاداتش را به‌صراحت بیان و ما را مجبور می‌کند درباره امام حسین(ع) و

نقد صبرقیان؛ فراز و فرود خاقانی‌شناسی معاصر از رهگذر بررسی هفت‌اثر از خاقانی‌شناسان این روزگار و غایت ابداع منشآت عربی خاقانی) اشاره کرد. سلسله درس‌گفتارهای شناخت زبان خاقانی عصر شنبه‌ها یک هفته درمیان، به همت دفتر پاسداشت زبان فارسی حوزه هنری در سالن سلمان هراتی حوزه هنری واقع در خیابان سمیه، نرسیده‌به خیابان حافظ، روبه‌روی کوچه‌پورموسی برگزار می‌شود و عموم علاقه‌مندان و پژوهشگران برای شرکت در

این جلسات می‌توانند در سالن سلمان هراتی حوزه هنری حضور یابند. گفتنی است نخستین جلسه از سلسله درس‌گفتارهای شناخت زبان خاقانی با عنوان آنی یا خاقانی با ارائه دکتر محمدرضا ترکی، استاد زبان وادبیات فارسی دانشگاه تهران، شاعر و پژوهشگر ادبی، با محوریت موضوعی «چرا باید خاقانی بخوانیم؟» امروز از ساعت ۱۷:۳۰ تا ۱۹ به همت دفتر پاسداشت زبان فارسی حوزه هنری در سالن سلمان هراتی حوزه هنری برگزار می‌شود.



#### برش

شهره موسوی بازیگر نقش سلما:

## شور عاشقی ویژه‌ترین تجربه بازیگری‌ام را رقم زد

برایم یک مدرسه بازیگری بود، گفت؛ بازی در شور عاشقی من را به چالش کشاند، چون از سواکاری می‌ترسیدم. این من را با نقطه ترس شخصی‌ام آشنا کرد و به خود می‌گفتم اگر قرار است بازیگر شوی، قرار نیست به تو خوش بگذرد. موسوی درباره چگونگی تعامل با پارتنرهايش در شور عاشقی تشریح کرد: سلما در قصه در هر بخشی با یک شخصیت جدید روبه‌رو می‌شود که هم چالشی برای آنها می‌شود و هم به آگاهی جدیدی می‌رسند. پارتنرهای اصلی‌ام در فیلم مهدی زمین‌پرداز(شخصیت مثبت) و پیام احمدنیا(شخصیت منفی) بودند و این اولین تجربه بازی‌ام مقابل این دو بازیگر بود که به بهترین تجربه بازیگری‌ام تبدیل شده است. آقای زمین‌پرداز در بدترین شرایط که در زنجیر بود، حواستش به بازی‌ام بود. همچنین در بسیاری از بخش‌ها وقتی آقای احمدنیا خودش بازی نداشت، می‌آمد و دیالوگ‌هایش را می‌گفت که مداوم حسم دربیاید. این دو جزو بازیگران باخلاق، حرفه‌ای و دلسوز بودند. این بازیگر در رابطه با روابط با اولین تجربه آب‌وهوایی بسیار گرم نیز عنوان کرد، ما در گرم‌ترین نقطه و موقعیت جغرافیایی ایران در کویر یزد، طبس، خور و بیابانک بودیم و کار کردن، دگور و گرم در آن زمان بسیار سخت و سنگین بود و همه اینها را باید تحمل می‌کردیم. تمام پلان‌های بیابان را در رمل با شتر و اسب می‌گرفتیم و در این کاروان بچه و سالخورده داشتیم و به‌قدری درجه حرارت دما بالا بود که در مقطعی زیر سُرُم رفتم چون آب بدنم تمام شده بود و هیچ چیز به ما جواب نمی‌داد و گروه امداد پزشکی هم خیلی از ما فاصله داشت. از این اتفاقات زیاد می‌افتاد و علاوه بر این، کار کردن در آن شرایط آب و هوایی با حیوان هم سخت بود. موسوی در پایان درباره اتفاقی که سر صحنه برایش افتاد، گفت: در یک پلان با اسب راه باید می‌رفتم که اسب روی پای‌ام آمد و به‌قدری جدی بود که مجبور شدم اسب‌سواری نکنم اما خوشبختانه هیچ‌کدام از این مسائل موجب نشد حتی یک روز به دلیل موقعیت جغرافیایی حاکم بر آنجا ضربه‌ای به من وارد شود. آقای یاری به شکل پدیده‌ای برای من به عنوان سلمای قصه دلسوزی می‌کرد اما شرایط آب و هوایی و جغرافیایی به شیوه‌ای بود که کار را سخت می‌کرد.

شهره موسوی، بازیگر فیلم شور عاشقی در گفت‌وگو با جام‌جم درباره این نقش گفت: بازی در شور عاشقی برایم اتفاقی به‌شدت قشنگ بود. من کار تاریخی زیاد انجام دادم اما کار تاریخی مذهبی که در جشنواره فجر حاضر شوم، برای اولین‌بار انجام دادم. برایم احساس خیلی عجیب و غریبی بود که تاسوعای همین امسال، یک‌سال از زمانی که سرنوشت کاری‌ام تغییر کرد، می‌گذرد. او با بیان این‌که مطمئنم این اتفاق برایم طبیعی نبود، افزود: باتمام شرایطی که بر من گذشت، تلاشم حرکت سالم در مسیر سینما و تن ندادن به مافیای آن بود و این موجب شد، مسیر بازیگری‌ام خیلی آرام و لاک‌پشتی حرکت کند و شاید سالی یک‌کاری می‌توانستم انجام دهم و این را قبول کرده بودم.

این بازیگر ادامه داد: خوشبختانه یک‌سال پیش اتفاق خوبی برایم افتاد و توانستم وارد سینمای حرفه‌ای شوم. اصلاً نمی‌توانم از چنین اتفاقی به‌سادگی بگذرم، چون مطمئنم انرژی پشت آن بود که چند برابر آن را زمان می‌سر نقش بودم، می‌دیدم. بنابراین چیزی وجود داشت که همه بچه‌ها را سر کار نگه داشته بود. موسوی درباره شیوه بیان دیالوگ‌ها که بار سنگین درام قصه و روایت را به‌عهده داشته، گفت: من دانش‌آموخته تئاتر از هنرستان تا به‌حال هشتم و پیشینه بازیگری تئاتر دارم. حدود ۶ سال است که تجربه بازیگری تئاتر دارم و خیلی تجربه این سبک از روایت و لحن را در بازیگری در تئاتر تجربه کرده‌بودم و خیلی برایم غریبه نبود و با آن مانوس بودم اما لحن و نوع روایتی که آقای یاری از من می‌خواست خیلی متفاوت تر بود. او با بیان این‌که این لحن مابین محاوره و دیالوگ‌های برطوطراق بود، افزود: به‌علت این‌که دیالوگ‌ها مفهومی و سنگین بود، خیلی روی این تأکید وجود داشت که ارتباط حسی من و مخاطبان لحظه‌ای از بین نرود. بنابراین بسیار در دیالوگ‌ها تلاش می‌کردم که کمی محاوره‌ای شوم، چون تمرین برای استفاده از این لحن خیلی زیاد بود تا توانستم به خوبی آن را ادا کنم. بازیگر شور عاشقی درباره چالش‌های بازی در این نقش تاریخی و ریسک‌های احتمالی آن گفت: نمی‌توانیم مسیر بازیگری را برای پیرامون خود به‌گونه‌ای تعریف کنیم که بازیگری فقط می‌تواند مختص بازی‌های رئالیستی - اجتماعی باشد. قطعاً آنها هم شیوه بازیگری مخصوص خودش را دارد اما در این شیوه بازیگری چالش بزرگی پیش‌روشان قرار می‌گیرد و می‌تواند یک مدرسه بازیگری خوب باشد.

موسوی ادامه داد: قبل از ورود به این پروژه فیلم کوتاه خیلی بازی کرده‌بودم و تجربه بازی در فیلم‌های سینمایی گروه هنر و تجربه را زیاد داشتم اما کنار پیشکسوت‌ها و کسانی که در صنف خودشان حرفی برای گفتن دارند، قرار نگرفته بودم و برایم چالش بزرگی بود، چون باقی آن تبدیل به قصه سلمایی می‌شد که بار آن را باید به‌دوش می‌کشیدم.

این بازیگر درباره اولویت‌هایش برای بازی در این پروژه تشریح کرد: تداوم حس برایم در این پروژه به‌شدت مهم بود و دو‌ماه زمان برد که تمام شود. قطعاً مقابل بازیگران خیلی حرفه‌ای تری کار کردم که از آنها یاد گرفتم و حواسشان به بازی من هم بود. او با تأکید بر این‌که حضور در این‌پروژه

اگر این فیلم بودجه‌های زیادی را جذب می‌کرد، صداقت، صمیمیت و عشق آن را الکن می‌کرد و به همین دلیل اصرار داشتم هر بودجه‌ای و به هر مقداری وارد این فیلم نشود. هرچند بعضی مرا متهم می‌کنند که بودجه‌های زیادی برای فیلم گرفتم اما اشکالی ندارد و می‌دانم نیتم چه چیزی است. تهیه‌کننده‌ای راغب نبود که بیاید و این فیلم را بسازد چون هرکس می‌آمد، این بودجه باید ضرب‌در سه می‌شد و خودم مجبور شدم تهیه‌کنندگی را به‌عهده بگیرم وگرنه چرا باید به این فکر می‌کردم که آیا تراکتور برای شترها علوفه می‌آورد یا نمی‌آورد (می‌خندد). هیچ‌کس جلو نیامد چون قلک نشده بودم...! این را هم بگویم که پنج روز اول فیلمبرداری ۱۰ نفر از تیم ما رفتند که روزی‌شان نبود بمانند و اشکالی هم ندارد. دستیارم کلافه و عصبانی بود، گفتم اصلاً برای ماندن‌شان اصرار نکن، هرکس دوست دارد، بماند، هرکس دوست دارد، برود و ما تا قرآن آخر با او تسویه حساب می‌کنیم. علاوه بر این، به بیش از ۹۰ درصد افراد پروژه هدیه‌ای بابت حضور در پروژه هم داده شد.

**[۲] به نظر می‌رسد در شور عاشقی با نشان دادن جلوه‌های محبت و غریب‌نوازی زاهد نصرانی نسبت به سر امام حسین(ع) در حال مقایسه عملکرد خوب مسیحیان نسبت به مسلمان و عملکرد بد مسلمانان در حق یک‌دگربرد.**

اخیراً متنی برایم آمد که از بی‌آوانسپان-سینما-گیک روز می‌بیند که مراسم عزاداری به خوبی در محل برگزار نشده و با پرسش متوجه می‌شود جای کافی نداشتند. بنابراین، کلید پارکینگ سینما را می‌دهد و از آن سال هیأت در پارکینگ سینما برگزار می‌شود و اهالی سینما، اولین حضور دسته‌شان را جلوی در خانه‌ای ارمنی می‌برند. این مربوط به روزگار متأخر ماست. در تاریخ هم کاروان اسرای کرپلا وارد شهری می‌شوند که نصرانی و مسلمان باهم زندگی می‌کنند. در تاریخ نوشته شده هنگام درگیری، زاهد دیر، ناقوس گلی را بر سر شمر می‌کوبد. به‌جز این، مهم‌ترین واقعه در رابطه با دین مسیحیت مربوط به ماجرای امانت گرفتن سر امام حسین(ع) به دست زاهد دیر است. انواع نژاد مختلف در کاروان امام حسین(ع) است، بنابراین، او تنها برای مانیتس، بلکه متعلق به تمام دنیا و ادیان است و او خودش غریب‌نوازی را انجام داده و تو به عنوان دوستدارش اگر بخوای فیلمی بسازی باید به‌ما چرا با همین معرفت نگاه کنی.

**[۲] از نحوه اکران فیلم راضی هستید؟**

بله. بچه‌های پخش، برای شور عاشقی شیوه پخش بسیار را در شهرهای فاقد و محروم از سینما راه انداختند و در مساجد و تکیه‌ها با رقم کمی نمایش می‌دهند. چند روز پیش هم بعد از نماز مغرب و عشا این فیلم را کنار مقبره شهید ابراهیم‌های نمایش دادیم و حداقل ۲۰۰ نفر آنجا بودند. جالب این‌که آدم‌های بسیاری گفتند می‌خواهیم این فیلم با هزینه ما در فلان جانمایش داده شود.

#### خارج از کود

## تغییر ذائقه با فیلم‌های نامناسب برای کودکان

انتخاب فیلم‌های نامناسب کودکان که مربیان مدرسه‌ها انجام می‌دهند، مشکل‌زا است. همین الان بچه‌های ما را از مدارس برای تماشای فیلم‌های کم‌دی سخیف می‌برند، به‌نظرم ما نیاز به یک شکایت حقوقی از سیستم آموزش و پرورش به کمک یک انسان توانا داریم که چطور به خودشان اجازه می‌دهند مدیران امور تربیتی بچه‌های ما را برای دیدن این فیلم‌ها ببرند؟ این نفی سینمای کم‌دی نیست و تمام زیبایی سینما به آسمان رنگی و متنوع فیلم‌هاست اما این مربیان در مرحله انتخاب دست روی کم‌دی گذاشتند و این خوب نیست. مسأله مهم‌تر این است که ذائقه یک ملت با این انتخاب‌های نادرست از کودکی که حساس‌ترین سن است تغییر می‌کند. از سر کج‌فهمی چنین مدیرانی است که ذائقه ملت تغییر کرده و به‌همین دلیل الان نمی‌توانم توقع داشته باشم فیلم‌های اجتماعی، سیاسی و مذهبی در سینمای ما بفرودش. تاوان این ندانم‌کاری را من و امثال فیلم‌های «روایت ناتمام سیما» و «آبی روشن» باید بدهد.

کاری که انجام داده، فکر کنیم. همچنین می‌توانیم به این فکر کنیم که حرکت اوجه‌تأثیری در جامعه و جوانان امروزی می‌تواند بگذارد؟... اگر دنبال نمادهای بگزدیم، بسیاری از آدم‌ها را در واقعه کرپلا پیدا می‌کنیم که به وقایع امروز مرتبط هستند. علی‌اکبر عاشورا را می‌توانیم با جوانان و نوجوان جامعه امروز تطبیق دهیم. همان‌طور که گفتم، از طرفی کار کردن در این حوزه مقداری ترسناک است و از طرفی توجه به اعتقادات در بازیگری لذتبخش است.

**[۲] چه صحنه‌ای در فیلم، شما را بیشتر از دیگر صحنه‌ها تحت تأثیر قرار داد؟**

فیلم لحظات قشنگ بسیاری در روابط عبدالرحمن و سلما دارد اما صحنه‌ای از بازی شمر که تمام اسرا را جمع کرد و موی دخترری را با خنجر برید، بیشتر روی من تأثیر گذاشت. البته پیام احمدنیا هم خیلی این صحنه را خوب بازی کرده. این وضعیت به حال حاضر که بچه‌های زیادی در حال کشته شدن در جنگ هستند، شباهت دارد. وقتی بچه‌ها را در این وضعیت می‌بینیم، با تمام وجود می‌لرزیم، چون همیشه جزو قربانیان جنگ هستند. بدون هیچ‌گونه لذتی در شرایطی قرار می‌گیرند که نه بچگی کرده‌اند و نه تفریح داشته‌اند.

#### هنر هفتم

## آغاز اکران برخط «بی‌بدن»

«بی‌بدن» به تهیه‌کنندگی سیدمصطفی احمدی که فیلمانمۀ آن توسط کاظم دانشی نوشته شده، فیلمی جنایی است که از یک پرونده قضایی مهم الهام گرفته شده‌است. داستان فیلم با تغییراتی به یک پرونده معروف جنایی دهه ۹۰ اشاره دارد؛

پرونده قتل غزاله شکور به‌دست آرمان عبدالعالی که چندین بار تا مرحله اجرای حکم رفت و برگشت و یکی از پیچیده‌ترین پرونده‌های چند سال اخیر ایران بود. بی‌بدن نیز با دستمایه قرار دادن این پرونده، سراغ شخصیت‌ها می‌رود و ما را با ابعاد مختلف یک حکم آشنا می‌کند.

در خلاصه داستان بی‌بدن که در چهل‌ودومین جشنواره فیلم فجر نامزد دو بخش بهترین فیلم و بهترین کارگردان اول شد، آمده است؛ سارا مقدم پس از گم‌شدن دخترش ارغوان، به دادسرا مراجعه می‌کند. موبایل ارغوان ردیابی می‌شود تا آخرین فردی که او را دیده مشخص شود و یافته‌ها از وقوع اتفاقاتی هولناک پرده برمی‌دارد....

این فیلم که با فروش حدود ۴۷ میلیارد تومانی، عنوان پرفروش‌ترین اثر اجتماعی امسال را به خود اختصاص داده از ۲۷ تیرماه ساعت ۲۰ در فیلمپلاک اکران شد.



## ملاقات با «چاپلین» در تئاتر شهر

نمایش «چاپلین» جدیدترین تجربه نویسندگی و کارگردانی مهران رنج‌بر است که از ۳۱ تیر در سالن اصلی مجموعه تئاتر شهر روی صحنه می‌رود. مهران رنج‌بر نویسنده، بازیگر و کارگردان تئاتر از معدود هنرمندان تئاتر ایران است که روی به صحنه بردن پرتره‌های مختلف متمرکز شده و تجربیات اخیر وی بیابانگر این روند است. وی در تجربه‌های گذشته خود به پرتره چهره‌های مختلف نظیر استیو جابز و مارلون براندو پرداخته است. در خلاصه داستان نمایش چاپلین چنین آمده است؛ «جهان برزخ است و چارلی چاپلین به عنوان شخصی که در سینمای صامت در قامت دفاع از مردم قرار گرفت مقابل زوگویی‌های آدولف هیتلر می‌ایستد و تنها راه نجات بشریت را مردم‌سالاری می‌داند. در این اثر نمایشی، بهزاد خلج، بازیگر موفق سینما و تلویزیون در چاپلین ایفاگر نقش بازیگر مطرح سینمای صامت جهان است؛ همچنین در محمد موحدنیا، بی‌تا عزیز، مرضی درویش‌زاده و... به ایفای نقش پرداخته‌اند. نمایش چاپلین از ۳۱ تیر تا ۱۴ مرداد، ساعت ۲۰ در سالن اصلی مجموعه تئاتر شهر-اجرای می‌شود.



#### قالب

## نقش سرخ عاشورا در سعدآباد

نگاره‌های عاشورایی هنرمندان ایرانی در قالب نمایشگاه «نقش سرخ» با همکاری موزه استاد بهزاد با ابتکار موزه فرشچیان به نمایش درمی‌آید. در این نمایشگاه آثار نگارگری هنرمندانی همچون محمود فرشچیان، محمدباقر آقامیرزی، امیرحسین آقامیرزی، رضا مهدوی، روح... جهان‌بین، هادی ققیهی، رضا یساولی، مهدی مهدوی و حسام فرجی را به نمایش می‌گذارد. این نمایشگاه تا پنجم مرداد از ساعت ۱۵:۳۰ تا ۱۷ در مجموعه فرهنگی تاریخی سعدآباد، موزه بهرام پابرجاست.

